Ulumhadith
Twenty- sixth No 3
Autumn (Sep- Dec 2021)

فصلنامه علمی علوم حدیث
سال بیست و شش شماره ۳ (پیاپی ۱۰۱)
پاییز، ص ۴ ـ ۲۰

نگاهی نو بر روایات تاریخ‌گذاری روایات حضرت محمد صلی الله علیه و آله به مکی و مدنی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۰۸

دکتر محمدعلی مهدوی‌راد[۱]
دکتر علی راد[۲]
دکتر زینب مجلسی راد[۳]

چکیده

مفسران از دیرباز تلاش‌هایی جدی در تقسیم آیات به مکی و مدنی داشته‌اند. این نگاه به قرآن، قابل تطبیق بر احادیث حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز هست. نگرشی جدید بر احادیث که با وجود مزایای فراوان مغفول مانده است. فوایدی چون شناخت ناسخ و منسوخ روایات، شناخت تاریخ تشریع و دستیابی به حکمت‌های آن، آشنایی با شیوهٔ دعوت و مراحل آن، شناخت دقیق سیرهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فهم بهتر قرآن از آن جمله‌اند. بررسی تاریخ مکه و مدینه در عصر نبوی نشان می‌دهد که احادیث مکی نسبت به مدنی قلتِ کمّی دارد. استفاده از ابزاری چون وجود قید زمانی در حدیث، توجه به راویان اول و مخاطبان، و مضامین روایات می‌توان غالب احادیث حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به لحاظ زمانی تقسیم نمود. آنچه در این پژوهش مطرح است تعریف مکی و مدنی در روایت، مزایا و ویژگی‌های این تقسیم، علل کم بودن روایات مکی و بیان برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های روایات مکی و مدنی با ذکر مصادیق است.

کلیدواژه: تاریخ‌گذاری روایات، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حدیث مکی، حدیث مدنی

مقدمه

حدیث‌پژوهان طی قرن‌ها در تلاشند تا فهمی صحیح از روایات حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل

۱. دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران (mahdavirad@ut.ac.ir).
۲. دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران (ali.rad@ut.ac.ir).
۳. مدرس دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (zmajlesi@gmail.com).

بیت عصمت و طهارت ﷺ داشته باشند تا به وسیلهٔ آن برداشتی صحیح از اسلام و آموزه‌های دینی به دست آورند. یکی از مهم‌ترین ابزار برای به دست آوردن مراد جدی از کلام معصومین ﷺ شناخت بستر تاریخی نقل روایت است. چرا که صدور روایات، ارتباطی جدی با زمان، مکان و مخاطبان داشته و این وظیفهٔ محدثان است تا با در نظر گرفتن تمامی جوانب، اسباب صدور روایات را به دست آورده، به حقیقت کلام دست یافته و اصول و مبانی حاکم بر آن را استخراج نمایند.

بی‌شک داشتن نگاه تاریخی در بررسی احادیث امری بسیار مهم و حساس است. فاصلهٔ زمانی بسیار تا معصومین ﷺ، عدم نقل اسباب ورود روایات و نا مشخص بودن مکان و زمان نقل آن‌ها در اکثر موارد از سوی راویان، سبب ایجاد ابهام در این حوزه شده است. لکن بررسی تاریخ و منابع تاریخی در این راستا نتایج بسیار سودمندی دارد و اجمال موجود در این حوزه را تا حد زیادی برطرف می‌نماید.

هنگام بررسی روایات پیامبر اکرم ﷺ، تقسیم‌بندی روایات به مکی و مدنی، می‌تواند راهگشا باشد. امری که متأسفانه چندان مورد توجه حدیث‌پژوهان قرار نداشته و جز یک اثر در اهل سنت با عنوان «المکی و المدنی فی الحدیث النبوی الشریف» تألیف «دکتر رفعت محمد عنانی» پژوهش دیگری به دست نیامد. در حالی که تقسیم روایات حضرت محمد ﷺ به مکی و مدنی امری جایز است. چرا که آن نیز وحی‌ای بر قلب رسول خدا ﷺ است و حکمتی است که مقاصد قرآن را بیان می‌دارد و موارد مجمل را توضیح می‌دهد، مبهمات را بیان می‌دارد، مطلق را قید زده و احکامی را که در مورد آن‌ها سخنی نیامده است را بیان می‌دارد[1].

این مقاله حاصل بررسی تطبیقی مطالعات قرآنی و حدیثی در موضوع مکی و مدنی است و تلاش بر آن است تا ضمن بررسی متون تاریخی و حدیثی و در نظر گرفتن یافته‌های قرآنی موجود در این حوزه ضمن به دست آوردن تعریفی دقیق از مکی و مدنی در روایات حضرت محمد ﷺ، در حد توان به سؤالات زیر پاسخی روشن داده شود:

اهمیت تقسیم روایات رسول الله ﷺ به مکی و مدنی چیست؟

دلیل قلت کمّی روایات مکی نسبت به مدنی کدام است؟

شاخصه‌ها و ملاک‌های روایات مکی و مدنی در احادیث پیامبر اکرم ﷺ چیست؟

---

۱. المکی و المدنی فی الحدیث النبوی الشریف، ص ۴۸.

لازم به ذکر است آنچه در کتاب «المکی و المدنی فی الحدیث النبوی الشریف» آمده گامی مقدماتی در این حوزه بوده و اختصاص به منابع اهل سنت دارد. در این پژوهش تلاش بر آن است تا با رویکردی شیعی، ضمن پرهیز از پرداختن به موضوعات پرتکراری چون «جایگاه حدیث در اسلام» و «کیفیت تدوین حدیث»، که در این کتاب آمده است، با نگاهی جزئی‌تر به مسائل پیش‌گفته پرداخته شود. همچنین در هنگام بیان شاخصه‌ها، ملاک‌های منقول از سوی نویسندهٔ کتاب مورد بررسی دقیق قرار گرفته و برخی به علت ناکافی بودن، کنار گذاشته شده و سایر موارد نیز با جزئیات بیشتر بیان گردیده‌اند تا ضمن بیان امکان تقسیم روایات پیامبر اکرم ﷺ به مکی و مدنی گامی هر چند کوچک در بازنگری تاریخی روایات حضرت محمد ﷺ در این حوزه برداشته شود.

تعریف مکی و مدنی در روایات

پیش از ورود به مباحث اصلی، لازم است تعریف مکی و مدنی در این پژوهش مشخص شود. لازم به ذکر است که در تعریف روایات مکی و مدنی، بمانند آیات قرآن، سه احتمال قابل طرح است:

اول: آنچه پیش از هجرت پیامبر اکرم ﷺ صادر شده است، هر چند در مکه نباشد، مکی است و هر آنچه پس از هجرت ایشان بیان شده است، حتی اگر در مدینه نباشد، مدنی است.

دوم: آنچه از روایات که در شهر مکه گفته شده است، هر چند پس از هجرت، مکی است و آنچه در مدینه نازل شده باشد، مدنی است. قابل توجه آنکه طرفداران این نظریه مناطق اطراف مکه مانند منا، عرفات و حدیبه و اطراف مدینه مانند بدر، احد و سلع را داخل این دو شهر می‌دانند.

سوم: مکی، آن دسته از روایات است که مخاطبان آن اهل مکه باشند و مدنی احادیثی است که مخاطبانشان اهل مدینه هستند.[1]

---

۱. المکی و المدنی فی القرآن الکریم (دراسة تأصیلیة نقدیة للسور و الآیات من أول القرآن الکریم إلی نهایة سورة الاسراء)، ج ۱، ص ۴۳ و ۴۴.

از میان این تعاریف، تعریف نخست مورد قبول و مبنای مطالعات پیش رو قرار خواهد گرفت.[1] همچنانکه اکثر قرآن‌پژوهان در تعریف مکی و مدنی آیات قرآن، این تعریف را صحیح دانسته‌اند.

اهمیت تقسیم روایات رسول اللهﷺ به مکی و مدنی

تقسیم‌بندی روایات رسول خداﷺ به مکی و مدنی فواید بسیاری دارد که برخی با آنچه در مورد آیات قرآن گفته شده مشابهت خواهد داشت. از جمله آنکه با این تقسیم احادیث ناسخ از منسوخ شناخته می‌شود[2]، سبب شناخت تاریخ تشریع و دستیابی به حکمت‌های آن می‌شود، آشنایی با شیوهٔ دعوت و مراحل آن را به همراه دارد، شناختی دقیق و استوار از سیرهٔ پیامبر اکرمﷺ به دست می‌دهد،[3] در فهم بهتر آیات قرآن نیز تأثیری بسیار جدی دارد.

علت قلت روایات مکی نسبت به مدنی

پیش از ورود به مباحث اصلی باید توجه داشت که روایات صادره از رسول خداﷺ پیش از هجرت نسبت به آنچه پس از هجرت از ایشان گزارش شده است کمتر است. در نتیجه در گام نخست باید علت این قلتِ کمی به دست آید.

فضاسازی از دو مقطع پیش از هجرت و پس از آن، که وابستگی کامل به شرایط حاکم بر دو شهر مکه و مدینه دارد، در شناخت علل این مسئله تأثیربسزایی خواهد داشت. در نتیجه لازم است به اجمال در مورد شرایط حاکم بر شهر مکه و سپس مدینه مطالبی آورده شود.

هنگام ظهور اسلام در مکه حوالی سال (۶۱۰) میلادی، حکومت «ملأ» به صورت یک رکن مستقر در مکه بود که از زمان تأسیس آن به وسیلهٔ «قصی بن کلاب» یک قرن و نیم می‌گذشت. هیچ امر مهمی در مکه تحقق نمی‌یافت مگر با موافقت رجال ملأ که سرشناسان مکه و رؤسا بودند. این گروه به منظور مشورت و اتخاذ تصمیمات بزرگ در مکانی با عنوان

---

۱. در مباحث علوم قرآن، در نقد تعاریف دوم و سوم و تأیید تعریف اول، سخن‌ها بسیار گفته شده است که قابل تطبیق بر این پژوهش نیز می‌باشد. در نتیجه به منظور جلوگیری از تطویل کلام از بیان دوبارهٔ آن پرهیز می‌شود.

۲. وجود این فایده در آیات قرآن بحث‌انگیز است چرا که بی‌شک مخالفان وجود نسخ در آیات قرآن آن را نمی‌پذیرند. لکن در مورد روایات وقوع نسخ امری پذیرفتنی است و در نتیجه این فایده نیز قابل ذکر است.

۳. برگرفته از جزوهٔ گامی لرزان در شناخت آیات و سور قرآن به لحاظ زمان و مکان.

«دار الندوه» جمع می‌شدند. ظهور حکومت اسلام مهم‌ترین رویدادی بود که پس از استقرار ملأ در مکه با آن مواجه شده بودند.[1] زمانی که ملأ متوجه شدند که اسلام در قبایل و خانواده‌های مکه نفوذ کرده است گروهی را به منظور مقابله با محمدﷺ تشکیل دادند که از برترین رجال این گروه تشکیل می‌شد. این گروه در اولین اقدام نزد ابوطالب رفته و شکایت محمدﷺ را به عمویش کردند. سپس اقداماتی عملی برضد پیامبرﷺ و مسلمین انجام دادند؛ از جمله آنکه بردگان مسلمان شده را شکنجه کردند تا از عقیده خویش بازگردند. افراد خانواده و قبیله‌هایشان را که اسلام آورده بودند زندانی کردند. فشارهای اجتماعی و اقتصادی را بر مسلمین افزایش داده و طی نامه‌ای مردم مکه از ازدواج و خرید و فروش با مسلمانان منع شدند و مسلمین در منطقه شعب ابی طالب و به دور از اجتماع مردم، روزگار گذراندند.[2]

در سوی دیگر «یثرب» یا «مدینة النبیﷺ»، شهری است با قدمتی بسیار کهن در شمال شرقی مکه که با فاصلهٔ (۲۸۰) مایلی از آن واقع شده است[3]. پیش از هجرت پیامبر خاتمﷺ، ساکنین اصلی این شهر را دو قبیلهٔ أوس و خزرج و سه قبیلهٔ یهودی «بنی قینقاع»، «بنی نضیر» و «بنی قریظه» و «اعراب» تشکیل می‌دادند.[4] با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر مدینه می‌توان به هوشمندانه بودن هجرت پیامبر اعظمﷺ به مدینه پس از ملاقات با نمایندگان دو قبیلهٔ أوس و خزرج دست یافت.[5] هجرتی تاریخ‌ساز که به گواه تاریخ‌نویسان در روز دوشنبه (دوازدهم) ربیع الأول، برابر با (۲۴) سپتامبر (۶۲۲) میلادی[6] به انجام رسید و از این پس یثرب با نام «مدینة النبیﷺ»

---

۱. تاریخ مکة المکرمة و الدعوة الإسلامیة فیها، هاشم یحیی الملاح، ص ۴۹.

۲. همان، ص ۵۳ تا ۵۸.

۳. حکومة الرسول المصطفیﷺ، ص ۱۳.

۴. همان.

۵. پس از وفات أبوطالب فشارها بر رسول خداﷺ و مسلمانان بسیار زیاد شد. در نتیجه پیامبر اکرمﷺ به دنبال راهی بودند تا خلاصی مسلمانان از دست مشرکان قریش را به همراه داشته باشد. پس از انجام بیعت عقبه اول و دوم پیامبر اکرمﷺ و مسلمانان جایی امن در عربستان به دست آوردند تا در آن زندگی کنند. پس از آنکه خداوند متعال اذن به هجرت را به رسول خویش ابلاغ نمود، مسلمانان در گروه‌های جداگانه و در بازهٔ زمانی متفاوت رهسپار مدینه شدند. علی بن ابی طالبؑ آخرین کس از مهاجرین بودند که در لیلة المبیت در بستر پیامبرﷺ خوابیدند و پس از بازگرداندن امانت‌هایی که اهل مکه نزد محمد امینﷺ به صاحبانشان، به پیامبرﷺ و سایر مهاجران ملحق شدند. (صورة الإمام علیؑ فی کتاب السیرة النبویة البن هشام، ص ۲۷۸).

۶. جامعهٔ مدینه در عصر نبویﷺ، ص ۳۱.

یعنی «جایی که پیامبر ﷺ در آن تحصن کرده‌اند» شهرت یافت[1] و پایگاه اصلی جهان اسلام قرار گرفت.

زمانی که پیامبر ﷺ به مدینه وارد شدند (۵۰۰) نفر از اهالی یثرب به استقبالشان آمده بودند. در آغاز غیر مسلمانان نیز با ورود پیامبر ﷺ و رهبری ایشان مخالفت نکردند.[2] اما پس از مدتی بزرگان جاه طلب یهود مخالفت خود را علنی کرده و ابتدا برای سست کردن عقیدهٔ مسلمانان سؤالات علمی و مذهبی زیادی از رسول خدا ﷺ پرسیدند که خدای تعالی به وسیلهٔ وحی پیامبر گرامیش را یاری کرده پاسخ سؤالاتشان را می‌داد. این مخالفین تنها از یك تیره و یك قبیله از یهود نبودند بلکه در تمام قبایل یهود مدینه رسول خدا ﷺ مخالفینی داشت.[3] که در نهایت منجر به بروز جنگ‌هایی شد که نتیجهٔ آن خروج یهود از مدینه و سیطرهٔ کامل مسلمین بر این شهر بود.

با در نظر گرفتن این شرایط و مقایسهٔ آن با آنچه پیش و پس از هجرت اتفاق افتاد، می‌توان علت کم بودن روایات مکی نسبت به مدنی را در موارد زیر خلاصه نمود:

ـ سختی زندگی مسلمانان در مکه نسبت به مدینه و فشار زیاد مشرکان بر پیامبر اکرم ﷺ که نمود عینی آن در شعب ابی طالب تجلی یافت.

ـ سخت بودن امکان ارتباط با رسول خدا ﷺ در مکه بر خلاف آنچه در مدینه و پس از هجرت مشاهده می‌شود.

ـ کم‌تر بودن تعداد اصحاب در مکه نسبت به دوران بعد از هجرت

ـ کثرت نزول قرآن در زمان مکه و در نتیجه کاهش حجم روایات پیامبر در این دوران.[4]

---

۱. حکومة الرسول المصطفی ﷺ، ص ۵۴ تا ۵۶.

۲. همان، ص ۵۲ و ۵۳: علل عدم مخالفت غیرمسلمانان: اول آنکه تا پیش از پیامبر اکرم ﷺ حکومت یا سلطنتی که امور یثرب را به درستی رسیدگی نماید وجود نداشت. دوم آنکه حدود (۵۰۰) نفر از افراد دو قبیلهٔ أوس و خزرج به انضمام رئیسان این دو قبیله به پیامبر ﷺ ایمان آورده بودند و همان‌گونه که بیان شد این دو قبیله بخش بزرگی از مردمان یثرب را تشکیل می‌دادند. سوم آنکه مشرکان باقیمانده در یثرب به نظر سایر برادران و رؤسایشان مبنی بر قول دعوت رسول الله ﷺ احترام گذاشتند و قاعدهٔ همبستگی میان افراد قبیله را رعایت کردند. چهارم آنکه یهودیان یثرب نیز با دو قبیلهٔ أوس و خزرج هم‌پیمان شده بودند. در نتیجه ملزم به احترام معاهداتی بودند که میانشان برقرار شده بود. مضاف بر آنکه یهود گمان نمی‌کرد هجرت رسول خدا ﷺ منجر به تشکیل دولتی در آینده خواهد شد که اوضاع دینی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها را تهدید خواهد کرد.

۳. زندگانی محمد، ج ۱، ص ۳۴۳.

۴. المکی و المدنی فی الحدیث النبوی، ص ۸۷.

ـ توجه به هدف پیامبر اعظمﷺ در دوران مکه. چرا که هدف پیامبر اکرمﷺ در دوران مکه، رسوخ در قلوب و جلب نفوس بود. در این راستا نیز غالب سخنان آن بزرگوار از چهارچوب «انذار» فراتر نرفته و به چهارچوب «رسالت» گام نمی‌نهد. این تحول از مکه به مدینه است که پیام را از مرحلهٔ انذار به مرحلهٔ رسالت رسانده و سبب افزایش حجم روایات می‌گردد.[1]

ـ در اختیار داشتن دولت و شهر در مدینه و آزادی عمل برای رسول خداﷺ و مسلمین

ـ توجه عده‌ای از صحابه به حدیث و اشتغال به این امر در شهر مدینه

ـ رفت و آمد مردم از نقاط مختلف به مدینه برای دیدار پیامبر اکرمﷺ

ـ وقوع رخدادهای گوناگون در مدینه و به تبع آن صدور روایات بیشتر از پیامبرﷺ

ـ مواجهه با اهل کتاب و نقل روایات از رسول خداﷺ در برخورد با این گروه

ـ تشکیل جامعه و افزایش نیازهای مخاطبان اولیه

ـ توجه به جهانی سازی دعوت و نیازهای مخاطبان ثانویه

تقسیم روایات پیامبر اعظمﷺ به مکی و مدنی

آنچه در این مجال از اهمیت برخوردار است، قرار دادن اصول و چارچوب‌هایی جهت تقسیم روایات به مکی و مدنی است. ابزاری که به وسیلهٔ آن بتوان روایات پیامبر اکرمﷺ را نیز بمانند قرآن، در دو گروه مکی و مدنی قرار داد. در این مجال توجه به برخی نکات ضروری است:

اول: در قرار دادن ملاک و شاخص در تقسیم روایات پیامبر اکرمﷺ به مکی و مدنی می‌توان از اقوال و آرای قرآن‌پژوهان بهره جست و برخی ملاک‌های آنان در تقسیم مکی و مدنی آیات را بر احادیث نیز تطبیق داد. چرا که کلمات رسول اللهﷺ به عنوان مبین و مفسر آیات قرآن، و در راستای کلام وحی بود. به ویژه در حوزهٔ موضوعات و مفاهیم مطرح شده در هر برهه، توجه به آیات قرآن می‌تواند راهگشا باشد.

دوم: استخراج کامل روایات پیامبر اکرمﷺ و تقسیم تمام آن‌ها به مکی و مدنی زمانی طولانی طلب کرده و نیازمند کار گروهی است و از توان نگارنده خارج است. در نتیجه آنچه

۱. جزوهٔ گامی لرزان در شناخت آیات و سور قرآن، ص ۲۸.

در این مجال مطرح خواهد شد در حد بضاعت مزجاة و محدود به بیان اهم ملاک‌ها و ذکر شواهدی ذیل هر کدام خواهد بود. امید است این موضوع مورد توجه محققان قرار گرفته و به صورت مفصل بررسی گردد. ان شاء الله

سوم: ملاک صحت در روایت، توجه به منبع نقل حدیث است و توجه به قواعد سندی و متنی در بررسی صحت روایات لحاظ نمی‌گردد. در نتیجه با فرض صدور روایات از نبی مکرم اسلام ﷺ در منابع معتبر و قابل استناد در شیعه، به تقسیم آنان به مکی و مدنی پرداخته می‌شود. در این راستا نیز تنها از مصادر و منابع شیعه استفاده شده است.

در ذیل به بیان برخی از مهم‌ترین ملاک‌ها در تشخیص روایات مکی و مدنی پرداخته می‌شود:

۱ـ بررسی روایات رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که در برخی از اسناد یا متون احادیث دربردارندهٔ قیودی هستند که زمان و مکان صدور روایت را روشن می‌سازند. از جمله عبارات «ضَیقَتْ عَلَیكَ مَكَّةَ وَ رَمَتْ بِكَ إِلَی یثْرِبَ» در نامهٔ ابی جهل به پیامبر اکرم ﷺ[1]، «كُنَّا جُلُوساً فِی الْمَدِینَةِ فِی ظِلّ حَائِطٍ قَالَ وَ كَانَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فِی غُرْفَةٍ»[2] در سخن حذیفة بن اسید و «أَمَرَ مُنَادِیاً فَنَادَی فِی الْمَدِینَةِ یا أَهْلَ یثْرِبَ»[3] در فضیلت روزهٔ ماه شعبان بر مدنی بودن احادیث دلالت دارند. احادیثی که دربارهٔ شهر مدینه گفته شده‌اند نیز مدنی خواهند بود که از جمله می‌توان به گزارش ابن عمر از سخن پیامبر اکرم ﷺ اشاره کرد[4]. توجه به رویدادهایی که مربوط به دوران مدینه است نیز اشاره بر مدنی بودن آن‌ها دارد. به عنوان مثال عبارت «غزوة تبوک»[5]

---

۱. الطبرسی، احمدبن علی، پیشین، ج ۱، ص: ۴۰.

۲. الصدوق، محمد بن علی، الخصال، ج ۲، ص ۴۴۹، ح ۵۲.

۳. الطوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۸۲۵.

۴. الطوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، ص ۴۴، ح ۴۹: عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: «كَانَ بِالْمَدِینَةِ أَقْوَامٌ لَهُمْ عُیوبٌ، فَسَكَتُوا عَنْ عُیوبِ النَّاسِ، فَأَسْكَتَ اللهُ عَنْ عُیوبِهِمُ النَّاسَ، فَمَاتُوا وَ لَا عُیوبَ لَهُمْ عِنْدَ النَّاسِ، وَ كَانَ فِی الْمَدِینَةِ أَقْوَامٌ لَا عُیوبَ لَهُمْ فَتَكَلَّمُوا فِی عُیوبِ النَّاسِ، فَأَظْهَرَ اللهُ لَهُمْ عُیوباً، لَمْ یزَالُوا یعْرَفُونَ بِهَا إِلَی أَنْ مَاتُوا».
و نیز بنگرید:
الحر العاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۹، ص ۲۲، ح ۳۵۰۵۲: عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام قَالَ سَمِعْتُهُ یقُولُ: «لَعَنَ رَسُولُ اللهِ ﷺ مَنْ أَحْدَثَ **فِی الْمَدِینَةِ** حَدَثاً أَوْ آوَی مُحْدِثاً قُلْتُ مَا ذَلِكَ الْحَدَثُ قَالَ الْقَتْلُ».

۵. الكلینی، محمد بن یعقوب، پیشین، ج ۶، ص ۳۸۶، ح ۷: عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام قَالَ: «مَرَّ النَّبِی ﷺ بِقَوْمٍ یشْرَبُونَ الْمَاءَ بِأَفْوَاهِهِمْ **فِی غَزْوَةِ تَبُوكَ** فَقَالَ لَهُمُ النَّبِی ﷺ اشْرَبُوا بِأَیدِیكُمْ فَإِنَّهَا خَیرُ أَوَانِیكُمْ».

قید زمانی روایت را به خوبی مشخص می‌کند زیرا این غزوه در دوران مدینه اتفاق افتاد.

۲ ـ هر حدیثی که راوی اول آن یکی از انصار باشد یا در فضیلت انصار گفته شده است مدنی است[۱]. لازم به ذکر است در مورد راویان مکی نمی‌توان چنین قطعیتی داشت چون روایاتشان مشترک بین دوران مکه و مدینه است. به عنوان نمونه در روایتی سلمان فارسی از پیامبر اکرمﷺ دربارهٔ جانشینشان پس از خود سؤال کرده و ایشان پاسخ او را می‌دهند[۲]. سلمان فارسی صحابه مشهور رسول خدا است که به گزارش تاریخ‌نگاران در سال اول هجرت مسلمان شده است.[۳] وی در شمار موالی رسول خدا به حساب می‌آید که به وسیلهٔ ایشان آزاد شده است.[۴] در روایتی به نقل از سلمان آمده است که وقتی رسول خداﷺ در مکه مبعوث شدند در موردشان چیزی به گوش من نرسیده بود تا آنکه ایشان وارد قباء شدند.[۵] همهٔ این گزارشات دلالت بر مدنی بودن سلمان فارسی دارد. وجود عبارت «نَزَلَ ضَیفٌ بِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ فَأَبْطَأَ الْأَنْصَارِی عَلَى أَهْلِهِ»[۶] حکایت از مدنی بودن آن دارد.

۳ ـ روایاتی که در آن‌ها به محاجه با اهل کتاب پرداخته یا پیرامون اعتقادات، اعمال و اقداماتشان سخن گفته شده است مدنی است. یهودیان بعد از رسیدن حضرت محمدﷺ به مقام نبوت در برابر ایشان سیاست‌های مختلفی را اعمال کردند که روند انجام آن سیاست‌ها در شرایط زمانی مختلف، متفاوت بود. آن‌ها سعی می‌کردند که سیاستی چند پهلو داشته باشند تا از هر فرصتی بهترین نتیجه را به دست آورند. سیاست‌های یهودیان در دوران آغاز رسالت حضرت محمدﷺ و بعد از آن به چهار دسته تقسیم می‌شود: سیاست دوستی، سیاست تهمت، سیاست خیانت، سیاست جنگ.[۷]

به طور کلی برخورد پیامبرﷺ با یهودیان به سه شکل و در سه مرحله اتفاق افتاده است:

---

۱. احادیث مربوط به عقبه اول و دوم، به لحاظ اینکه پیش از هجرت گفته شده‌اند، با وجود مدنی بودن راویانشان، مکی محسوب می‌شوند.

۲. الصدوق، محمد بن علی، الأمالی، ص ۱۳: عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِی رَحِمَهُ اللهُ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللهِﷺ مَنْ وَصِیكَ مِنْ أُمَّتِكَ ... .

۳. الامینی، محمد هادی، أصحاب أمیر المؤمنینؑ و الرواة عنه، ج ۱، ص ۲۵۸، ش ۴۶۱.

۴. البلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۸۷: سئل الشعبی هل كان سلمان من موالی رسول اللهﷺ؟ قال: نعم، أفضلهم، كان مكاتبا فاشتراه و أعتقه.

۵. ابن اسحاق بن الیسار، محمد، كتاب السیر و المغازی، ص ۹۰: ... و بعث الله عزّوجلّ رسول اللهﷺ بمكة، لا یذكر لی شیء من أمره مما أنا فیه من الرق حتی قدم رسول اللهﷺ قباء، و أنا أعمل لصاحبی فی نخلة له ...

۶. الطوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، ص ۳۸۴، ح ۸۲.

۷. حضرت محمدﷺ و قوم یهود، ص ۹۴.

برخورد مسالمت آمیز، برخورد فکری و اعتقادی، برخورد نظامی[1]. [2]

رسول خدا ﷺ در اولین اقدام خویش به اخذ پیمان از یهودیان [3] پرداختند که در سه مورد پیمان عمومی با یهود، پیمان با سه گروه معروف یهود و تلاش برای صلح با خیبر[4] اتفاق افتاده است.[5] این همه سبب صدور روایاتی از رسول خدا ﷺ در ارتباط با اهل کتاب شد در نتیجه وجود عباراتی نظیر «إِنَّ الْيهُودَ سَأَلُوا رَسُولَ الله ﷺ فَقَالُوا» [6] و «لَا تَبْدَءُوا أَهْلَ الْكِتَابِ بِالسَّلَامِ» [7] و «إِنَّا بِأَرْضِ قَوْمٍ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ نَأْكُلُ فِي آنِيتِهِمْ» [8] و «خَالِفُوا أَهْلَ الْكِتَابِ» [9] که بر نحوهٔ تعامل با اهل کتاب اشاره دارد، در دوران مدینه صادر شده‌اند.

۴ ـ هر روایتی که در آن سخن از نفاق، منافقین و برخوردهای پیامبر اکرم ﷺ با آنان باشد در مدینه صادر شده است. مسألهٔ نفاق در اسلام پس از هجرت رسول الله ﷺ به مدینه مطرح شد[10]. زیرا تا پیش از این و در زمان حضور ایشان در مکه، مخالفان قدرت را در اختیار داشته و آشکارا هر آنچه در توان داشتند علیه اسلام و مسلمین به کار می‌بستند. لکن پس از

---

۱. بررسی نقش یهودیان در مخالفت با پیامبر در طول رسالت، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

۲. قرآن و نبرد با یهود، ص ۵۸ ـ ۷۷: مراحل مواجههٔ پیامبر ﷺ با کارشکنی یهود عبارتند از: انعقاد پیمان‌نامه، دعوت یهودیان به اسلام (نامه به یهود خیبر)، مدارا با یهود و محترم شمردن حقوق آنها (یهود حق آزادی در اجرای احکام دینی خود را داشتند و هیچگونه ممانعتی در مقابل آنها ایجاد نمیشد، مگر در مواقعی که خود یهودیان به تعهدات خویش عمل نمیکردند. عنکبوت ۴۶)، تلاش برای ایجاد وحدت میان ادیان الهی (آل عمران ۶۴)، نامه به زمامداران جهان، بحث و مناظره، تحدی، هشدار یا اتمام حجت بر یهود (جمع کردن بنی قینقاع در بازار، انفال ۵۸)، مبارزه با توطئه فرهنگی یهودیان (مبارزه با حسان بن ثابت با اشعار کعب بن اشرف)، جهاد و اخراج یهودیان از جامعهٔ مسلمین.

۳. برای آگاهی از کیفیت صحیفه ر.ک: النبی ﷺ و یهود المدینة (دراسة تحلیلیة لعلاقة الرسول ﷺ بیهود المدینة و مواقف المستشرقین منها)، ص ۵۵ تا ۹۸.

۴. برخوردهای مسالمت‌آمیز پیامبر با یهود مصطفی صادقی مجله تاریخ اسلام ش ۲، سال یکم، تابستان ۷۹، ص ۷: این حرکت برخلاف آنچه شهرت یافته سریه نیست، بلکه حرکتی سیاسی است که از سوی رسول خدا ﷺ به منظور صلح با یهود خیبر انجام شده است. هر چند پایان این حرکت به درگیری کشیده شده است.

۵. مدارای پیامبر اعظم ﷺ و نابردباری یهودیان، ص ۶۱.

۶. الکلینی، محمد بن یعقوب، پیشین، ج ۱، ص ۹۱.

۷. الحر العاملی، محمد بن الحسن، الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۳۰۹۸.

۸. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ج ۲، ص ۵۳۳.

۹. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۲۰۸.

۱۰. البته ریشه‌های نفاق پیش از هجرت و در دوران مکه به شکلی دیگر مطرح است. نفاقی که در مدینه شکل گرفت بیشتر از روی ترس است لکن نوعی از نفاق با نیت طمع‌ورزی در دوران مکه شکل گرفت و سبب ایمان گروهی شد که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

ورود به مدینه، حضور انصار و مهاجرین در کنار یکدیگر سبب شد تا جریان به نفع مسلمین تغییر کند و مبارزهٔ مستقیم و آشکار سخت گردد.[1] در نتیجه گروه مخالفینی که در مدینه زندگی می‌کردند مجبور به ایمان دروغین[2] گشتند. در نتیجه رسول خدا ﷺ ضمن مقابلهٔ جدی با این گروه، به بیان نکاتی در شناخت و نحوهٔ مبارزه با منافقین پرداختند. روایت زیر به عنوان نمونه‌ای در این باب ذکر می‌شود:

... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ مَثَلُ الْمُنَافِقِ مَثَلُ جِذْعِ النَّخْلِ....[3]

۵ ـ موارد مربوط به جنگ و جهاد، اصول و قواعد و علل تشریع آن و گزارش از غزوات و معاهدات صورت گرفته در آن‌ها مربوط به دوران پس از هجرت هستند. به عنوان مثال عبارت «مَنْ غَزَا مِنْ أُمَّتِكَ فِی سَبِيلِ اللهِ»[4] فضیلت جهاد را نشان داده و عبارت «ارْكَبُوا وَ ارْمُوا»[5] ضرورت آماده‌سازی برای جنگ را دلالت می‌کند.

۶ ـ خطبه‌های پیامبر اکرم ﷺ، به ویژه خطبه‌های طولانی، مربوط به دوران مدینه هستند که با عباراتی نظیر «خَطَبَ النَّبِی»[6] نشان داده شده‌اند.

۷ ـ توجه به موضوعات مطرح شده در روایات نیز در تشخیص مکی یا مدنی بودن آن‌ها نقش بسزایی دارد. به عنوان نمونه:

ـ هر روایتی که در آن سخن از حد و فریضه مانند ارث و مقدار دیه آمده باشد مدنی است.[7]

ـ روایاتی که در آن‌ها به صورت تفصیلی از امور تشریعی و احکام عملی سخن گفته شده است. به خصوص مواردی که حکم آن‌ها در مکه بیان نشده است. مانند روزه، حج، زکات،

---

۱. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج۲۸، ص ۳۵۶.

۲. پایهٔ اصلی نفاق «ایمان دروغین» است.

۳. الکافی، ج۲، ص۳۹۶، ح ۵.

۴. همان، ج ۵، ح ۳.

۵. همان، ج۵، ص ۵۰، ح ۱۳.

۶. ر.ک: الصدوق، محمد بن علی، الخصال، ج ۲، ص ۴۸۷، ح ۶۳ و نیز الطبرسی، الفضل بن الحسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۱۶۰. در این روایت وجود نام شریف امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیز خود دلالت بر مدنی بودن روایت دارد. زیرا این دو بزرگوار در مدینه تولد یافته‌اند.

۷. ر.ک: الحر العاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۹، ص ۱۹۸، ح ۳۵۴۴۰ در موضوع دیات و الکلینی، محمد بن یعقوب، پیشین، ج۷، ح ۱۰۶ در موضوع ارث.

نکاح، سرقت، کفارات، خرید و فروش، ربا و امور مربوط به اسارت[1]. [2]

- مواردی که شامل اصول اساسی دین اسلام و پایه‌های آن است مانند ایمان به خدا و دوری از شرک، روز رستاخیز و اتفاقات مربوط به حشر و جزا، ایمان به رسل و کتاب‌های آسمانی و ملائکه می‌شود عموما در مکه گزارش شده‌اند مگر قرینه‌ای بر مدنی بودن آن وجود داشته باشد.[3]

به عنوان نمونه احتمال مکی بودن روایت زیر بیشتر است. نقل روایت از سوی امام علی علیه‌السلام از رسول خدا ﷺ این احتمال را تقویت می‌نماید:

عَنِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ علیهم‌السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ كَلِمَةٌ عَظِيمَةٌ ... .[4]

اما حدیث زیر در موضوع توحید به دلیل آنکه راوی اول ابن عباس می‌باشد احتمال مدنی بودن دارد. مگر ابن عباس با یک واسطه آن را شنیده و متصل نقل کرده باشد.

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيراً لَا يُعَذِّبُ اللهُ بِالنَّارِ مُوَحِّداً... .[5]

در روایت زیر نیز ابن عباس روایتی را در باب قیامت از رسول خدا ﷺ نقل کرده است. در نتیجه این روایت نیز احتمالا مدنی است:

---

۱. [زمانی که پیامبر اکرم ﷺ به مدینه هجرت کردند به تنظیم کامل معاملات پرداختند، چرا که هدف ایشان ایجاد دولت اسلامی و مدینه فاضله بود و در نتیجه باید به تنظیم روابط بین مردم می‌پرداختند. ایشان امور مربوط به نظم اجتماعی و معاملات انسانی از قبیل احکام خرید و فروش، زمین‌داری، ربا و ... در مدینه صادر کرده و در زمینه امور مربوط به صدقات حکم نمودند. تنظیم کامل امور مربوط به حدود و قصاص نیز در مدینه شکل گرفت]. (ابو العلا، محمد صالح، خصائص السور و الآيات المدنية ضوابطها و مقاصدها، ص ۴۶)

۲. ر.ک: الحمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، ص ۱۰۸، ح ۳۶۹ در موضوع حج، الکلینی، محمد بن یعقوب، پیشین، ج ۴، ص ۶۷، ح ۶ در موضوع روزه، همان، ج ۳، ص ۵۰۳، ح ۲. در موضوع زکات (وجود قید «فی المسجد» نیز دلالت بر مدنی بودن روایت دارد)، الصدوق، محمد بن علی، الخصال، ج ۱، ص ۱۹۸ در موضوع بیع، ابن حیون، النعمان بن محمد، دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، ج ۲، ص ۱۶، ح ۱۳ در باب بیع.

۳. این دسته از موارد را با قطعیت نمی‌توان حکم به مکی بودن داد، چه بسا این موارد در مدینه نیز مورد بحث برای تازه مسلمانان بوده باشد. باید مواردی چون راوی روایت، وجود قید و ... بررسی شود. اگر دلیلی بر مدنی بودن وجود نداشت احتمال مکی بودنشان بیشتر است. چون اکثر آیات قرآن در این موضوع در مکه نازل شده‌اند روایات پیامبر ﷺ نیز در این حوزه احتمالا مکی‌اند.

۴. الصدوق، محمد بن علی، التوحید، ص ۲۳: رسول خدا ﷺ فرمود که اشهد ان لا اله الا الله را سخن بزرگی دیدم که بر خدای عز و جل گرامی است هر که آن را از روی اخلاص بگوید مستحق بهشت گردد و هر که آن را از روی دروغ بگوید باینکه بمضمون آن اعتقاد نداشته باشد مال و خونش محفوظ نشود و بازگشتش بسوی آتش دوزخ خواهد بود».

۵. الصدوق، محمد بن علی، ص ۲۹۶، ح ۱۰: رسول خدا ﷺ فرمود قسم بدان که مرا به راستی مبعوث کرده تا مژده ده باشم خدا هرگز یگانه‌پرستی را بدوزخ عذاب نکند و اهل توحید شفاعت کنند و شفاعتشان پذیرفته گردد.

عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَبَّاسٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ يَقُولُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ نَحْنُ فِي الْقِيَامَةِ رُكْبَانٌ أَرْبَعَةٌ لَيْسَ غَيْرُنَا... .[1]

در همین راستا بحث‌های صورت‌گرفته با مشرکان در مورد اعتقادات باطلشان عموما در مکه صورت گرفته‌اند. به عنوان نمونه عبارت «أَنَّ نَفَراً مِنْ قُرَيْشٍ اعْتَرَضُوا الرَّسُولَ ﷺ»[2] دلالت بر مکی بودن عبارت دارد چرا که در ادامه نام برخی از مشرکین مکه ذکر می‌شود و سبب نزول سورهٔ کافرون که «مکی» .به عنوان قرینه‌ای دیگر. ذکر می‌گردد.

ـ قصه‌ها و داستان‌ها عموما در مکه گزارش شده‌اند. همچنانکه آیات قرآن در این حوزه مکی هستند. در این مورد نیز احتمال مدنی بودن منتفی نیست. چرا که ممکن است در دوران پس از هجرت نیز به تناسب شرایط و موقعیت از داستان‌های پیامبران علیهم‌السلام استفاده شده باشد. به عنوان نمونه در مورد مهمانان حضرت ابراهیم علیه‌السلام روایتی با واسطهٔ امام علی علیه‌السلام از رسول خدا ﷺ گزارش شده است که قرینه‌ای مبنی بر مدنی بودن آن وجود نداشته و مکی دانسته می‌شود[3]. اما روایتی دیگر در داستان حضرت صالح علیه‌السلام با قرینهٔ «جابر بن عبدالله انصاری» و «فی غزوة تبوک» قطعا پس از هجرت صادر شده و مدنی است.[4]

ـ احادیث مربوط به معجزهٔ اسراء و معراج احتمالا در مکه گفته شده‌اند.[5]

ـ احادیث مربوط به تشویق به کتابت[6]، فضیلت یادگیری علم، حرمت دریافت رشوه هنگام آموزش به دیگران[7] و ... عمدتا مدنی هستند.

ـ روایات مربوط به امور فردی، نظم، بهداشت، آداب معاشرت، پزشکی و ... مدنی هستند. زیرا در دوران مکه فشار به حدی زیاد است که عمدتا فرصتی برای بیان این دسته موضوعات نبوده است.[8]

---

۱. ابن عقده الکوفی، احمد بن محمد، فضائل أمیر المؤمنین علیه‌السلام، ص ۱۴؛ المفید، محمد بن محمد، الأمالی، ص ۲۷۲، ح ۳؛ ابن حیون، النعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۴۶۹: عبد الله بن عبّاس بن عبد المطلب گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: ای مردم ما تنها چهار نفریم که در قیامت سواره‌ایم... .

۲. المفید، محمد بن محمد، پیشین، ص ۲۴۷، ح ۲.

۳. ر.ک: الصدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۷۴، ح ۳.

۴. ر.ک: البحرانی، سید هاشم بن سلیمان، پیشین، ج ۲، ص ۶۳۱؛ المجلسی، محمد باقر، پیشین، ج ۱۱، ص ۳۹۳.

۵. ر.ک: الخصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، ص ۵۷، ح ۱۲: قَالَ الصَّادِقُ علیه‌السلام: لَمَّا أُسْرِيَ بِرَسُولِ اللهِ ...

۶. ر.ک: الصدوق، محمد بن الحسن، الأمالی، ص ۳۷، ح ۳: الْمُؤْمِنُ إِذَا مَاتَ وَتَرَكَ وَرَقَةً وَاحِدَةً ...

۷. ر.ک: الطوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۲۴، ح ۵۳۴.

۸. ر.ک: البرقی، محمد بن أحمد بن الخالد، پیشین، ج ۲، ص ۴۱۴، ح ۱۶۵ در باب پذیرایی از مهمان (راوی روایت جابر بن عبد الله انصاری است و قرینه‌ای دیگر بر مدنی بودن آن است)؛ الطوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، ص ۲۱۵، ح ۳۷۴ در باب سلام دادن؛ الصدوق، محمد بن علی، الخصال، ج ۱، ص ۲۴۲ در باب نظافت.

ـ با توجه به آنکه پس از هجرت به مدینه سفرها زیاد شد، روایات مربوط به سفر و آداب آن نیز احتمالا مدنی هستند.[1]

پس از بیان این نکات می‌توان نتیجه گرفت که در هنگام تقسیم روایات پیامبر اکرم ﷺ به مکی و مدنی سه دسته روایت به دست خواهد آمد: دستهٔ اول احادیثی که شکی در مدنی بودن آن‌ها وجود ندارد. دستهٔ دوم مواردی که قطعیت در مکی بودن آن‌هاست و دستهٔ سوم روایاتی که نمی‌توان صد در صد مکی یا مدنی بودنشان را مشخص نمود. در این میان قطعیت در روایات مدنی بیش از احادیث مکی است.

نتیجه

از آنچه گذشت چنین به دست آمد که داشتن نگاه تاریخی در احادیث سبب فهم بهتر روایات خواهد شد. چرا که احادیث در بستر زمان به وجود آمده و ارتباطی مستقیم با زمان، مکان و مخاطبان عصر صدور دارند. قرآن پژوهان به منظور فهم بهتر قرآن، و بر اساس اقوال صحابه و روایات سبب نزول، آیات قرآن را به دو دستهٔ مکی و مدنی تقسیم کرده‌اند. چنین تقسیمی در زمینهٔ روایات پیامبر اکرم ﷺ به عنوان مبین و مفسر قرآن، ممکن خواهد بود، لکن چندان مغفول مانده است. در حالی که تقسیم روایات به مکی و مدنی فواید فراوانی چون شناخت ناسخ از منسوخ، شناخت تاریخ تشریع و دستیابی به حکمت‌های آن، آشنایی با شیوهٔ دعوت و مراحل آن، شناخت دقیق و استوار از سیرهٔ پیامبر اکرم ﷺ و فهم بهتر آیات قرآن می‌گردد. تعریف مکی و مدنی در احادیث پیامبر ﷺ بمانند قرآن دارای سه احتمال است که از بین این احتمالات سه‌گانه، این تعریف جامع خواهد بود: «مکی به روایاتی گفته می‌شود که پیش از هجرت صادر شده و مدنی احادیثی هستند که پس از هجرت بیان شده‌اند». مقایسهٔ فضای حاکم در دو شهر مکه و مدینه در هنگام بعثت پیامبر خاتم ﷺ به خوبی حاکی از مشکلات، سختی ها و مشقات مسلمین در دوران مکه و ارتباط اندک با رسول الله ﷺ و در نتیجه قلت احادیث در این برهه نسبت به زمان پس از هجرت است که پیامبر اکرم ﷺ با ایجاد دولت ـ شهر در مدینه پایه‌های اسلام را مستحکم کرده و راه را برای جهانی‌سازی اسلام هموار ساختند. به منظور تقسیم روایات رسول الله ﷺ به مکی و مدنی برخی ملاک‌ها قابل توجه است که از راه بررسی‌های سندی و متنی و در پرتو مطالعات

---

۱. ر.ک: البرقی، محمد بن أحمد بن الخالد، پیشین، ج ۲، ص ۳۶۱، ح ۸۷.

حدیث‌شناسی و تاریخی به دست می‌آیند. روایاتی که در آن‌ها قید مکان و زمان به پس از هجرت اشاره دارد و یا راویان آن‌ها مربوط به این روزگار بوده و یا در شمار انصار باشند مدنی هستند. همچنین روایاتی که در آن‌ها سخن از اهل کتاب و منافقان آمده است مربوط به دوران پس از هجرتند. خطبه‌های ایشان و همچنین پرداختن به موضوعاتی چون دیات، ارث، روزه، زکات، حج، جهاد، خرید و فروش، امور فردی و اجتماعی دلالت بر قطعی بودن صدور روایت در دوران مدینه دارد. در زمینه روایات مکی دقت عمل بیشتری لازم است. هر چند برخی موضوعات چون اصول اساسی اسلام، معراج و اسراء، قصص انبیاء مختص به دوران مکه بوده است لکن احتمال تکرار آن‌ها در دوران مدینه منتفی نیست و باید جوانب دیگری چون راوی اصلی روایت نیز لحاظ گردد. در نهایت می‌توان روایات رسول الله ﷺ را در سه دسته قرار داد: دستهٔ اول که غالب روایات ایشان را شامل می‌شود، احادیث مدنی هستند. بخش دوم شامل روایات مکی می‌شود و بخش سوم اخباری است که مردد بین دو بخش پیش بوده و نمی‌توان قطعیت در مکی یا مدنی بودنشان به دست آورد.

کتابنامه

- الإحتجاج علي أهل اللجاج، احمد بن علی الطبرسی، تحقیق محمد باقر خرسان، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
- أصحاب أمير المؤمنين عليه السلام و الرواة عنه، محمد هادی الامینی، بیروت، دار الكتاب الإسلامی، چاپ اوّل، ۱۴۱۲ ق.
- إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القديمة)، الفضل بن الحسن الطبرسی، تهران، اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ق.
- الأمالي، محمد بن علی بن بابويه (الصدوق)، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
- الأمالي، محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- أنساب الأشراف، احمد بن یحیی البلاذری، بیروت، دار الفکر، چاپ اوّل، ۱۴۱۷ ق.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأخيار، محمد باقر بن محمد تقی المجلسی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق
- برخوردهای مسالمت‌آمیز پیامبر با یهود، مصطفی صادقی، مجله تاریخ اسلام، سال یکم، تابستان ۷۹، ش ۲.

– بررسـی نقـش یهودیـان در مخالفـت بـا پیـامبر در طـول رسـالت، حسـن جـوادی نیـا، تاریخ‌پژوهی، سال هفدهم، زمستان ۱۳۹۴، ش ۶۵.
– تاریخ مکـة المکرمـة و الـدعوة الإسـلامیة فیهـا، هاشم یحیی الملاح، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۲۰۱۱ م.
– تفصیل وسائل الشـیعة إلـی تحصـیل مسـائل الشـریعة، محمد بن الحسن الحر العاملی، تحقیق مؤسسة آل البیت علیهم السلام، قم، مؤسسة آل البیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
– جامعهٔ مدینه در عصر نبوی صلی الله علیه و آله، عبد الله عبد العزیز بن إدریس، ترجمهٔ شهلا بختیاری، قـم، ناشـران: پژوهشـگاه حـوزه و دانشـگاه و سـازمان مطالعـه و تـدوین کتـب علـوم انسـانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول، بهار ۸۶.
– الجعفریات (الأشعثیات)، محمد بن محمد بن الاشعث، تهران، مکتبة النینوی الحدیثة، چاپ اول، بی‌تا.
– حضرت محمد صلی الله علیه و آله و قوم یهود، کیوان خاکپور، تهران، نشر اشک، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
– خصائص السـور و الآیـات المدنیـة ضـوابطها و مقاصـدها، عادل محمد صالح ابو العلا، بیروت، مؤسسة علوم القرآن، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
– الخصال، محمد بن علی بن بابویه (الصدوق)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
– دعائم الإسلام، نعمان بن محمد مغربی (ابن حیون)، تحقیق آصف فیضی، مؤسسة آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۳۸۵ ق، چاپ دوم.
– روضة الواعظین و بصـیرة المتعظـین، محمد بن احمد الفتال النیسابوری، قم، انتشارات رضی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
– زندگانی محمد صلی الله علیه و آله، ابن هشام الحمیری المعافری، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، قم، کتابچی، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ ش.
– سیرة ابن إسحاق (کتاب السیر و المغازی)، محمد بن اسحاق، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اوّل، ۱۴۱۰ ق.
– صورة الإمام علی علیه السلام فی کتاب السـیرة النبویـة، لابن هشام المتوفی فی سنة ۲۱۸ هجریة، شـاکر هولـة الماجـدی، کـربلاء، العتبـة الحسـینیة المقدسـة .مؤسسـة علـوم نهـج البلاغـة، چاپ اول، ۱۴۳۸/ ۲۰۱۷.
– الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، علی بن موسی بن الطاووس، تحقیق علی عاشور، قم، خیام، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.

– الفرقـان فـي تفسـير القـرآن بـالقرآن، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، محمد الصادقی الطهرانی، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.
– الفصـول المهمـة في أصـول الأئمـة (تكملة الوسائل)، محمد بن الحسن الحر العاملی، تحقیق محمد بن محمد الحسین القائینی، قم، موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه‌السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ق / ۱۳۷۶ ش.
– قرآن و نبرد با یهود، میررضا جبارزاده، راهنما: سید محمود دشتی، مشاور: حسینی‌زاده، (پایاننامۀ کارشناسی ارشد)، تهران، دانشکده اصول الدین، ، تابستان ۸۶.
– قرب الأسناد، عبد الله بن جعفر الحمیری، تحقیق مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، قم، مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
– الکافی (ط ـ الإسلامیة)، محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمدآخوندی، تهران، دار الکتب، چاپ چهارم الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
– گامی لرزان در شناخت آیات و سور قرآن به لحاظ زمان و مکان، محمدعلی مهدوی راد، جزوۀ درسی.
– المحاسن، احمد بن محمد بن الخالد البرقی، تحقیق جلال الدین محدث، قم، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
– مدارای پیامبر اعظم و نابردباری یهودیان، احمد سعادت، معرفت، بهمن ۱۳۸۵، ش ۱۱۰.
– مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، محمد بن الحسن الطوسی، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
– المکی و المدنی فی الحدیث النبوی الشریف (رؤیة جدیدة)، رفعت محمد عنانی، قاهره، مکتبة الإیمان، چاپ اول، ۲۰۱۲ م.
– المکی و المدنی فی القرآن الکریم (دراسة تأصیلیة نقدیة للسور و الآیات من أول القرآن الکریم إلی نهایة سورة الاسراء)، عبد الرزاق حسین أحمد، قاهره، دار ابن عفان، چاپ اول، ۱۹۹۹/۱۴۲۰.
– النبـی صلی‌الله‌علیه‌وآله و یهـود المدینـة (دراسة تحلیلیة لعلاقة الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله بیهود المدینة و مواقف المستشرقین منها)، محمد بن فارس الجمیل، ریاض، مرکز الملک فیصل للبحوث و الدراسات الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۲۷ ق.
ـ الهدایة الکبری، الحسین بن حمدان الخصیبی، بیروت، البلاغ، ۱۴۱۹ ق.